

اصول اقتصاد اسلامی

www.ketab.ir

بهرام شجاعی

با تفریظ آقای دکتر حسن سبحانی

- سرشناسه : شجاعی، بهرام، ۱۳۳۶-
 عنوان و نام پدیدآور : اصول اقتصاد اسلامی / بهرام شجاعی
 مشخصات نشر : تهران: سایه روشن، ۱۳۹۶،
 مشخصات ظاهری : ۲۷۲ ص
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۵۲-۲۴-۵
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه
 موضوع : اسلام و اقتصاد
 موضوع : Islam – Economic aspects
 موضوع : اسلام و اقتصاد -- احادیث
 موضوع : Islam – Economic aspects – Hadiths
 رده بندی کنگ : ۱۳۹۶ الف ۳ / ۲ / ۲۲۰ BP
 رده بندی دیوی : ۲۹۷ / ۴۸۳۳
 شماره کتابشناسی : ۳۹۹۲۰



تشریح

تهران - ۳۳۶۱ - ۸۸۰

عنوان	اصول اقتصاد اسلامی
نویسنده	بهرام شجاعی / تلفن همراه ۱۲۲۱۸۴۲۲۷
نوبت چاپ	اول / زمستان ۱۳۹۶
شماره شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۳۵۲-۲۴-۵
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
قطع	وزیری
قیمت	۲۰۰۰۰۰ ریال
مرکز پخش	تهران - ۸۸۲۳۲۲۶۸

حق چاپ و نشر برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

Printed in IRAN

2018

فهرست مطالب

۹	تقریظ آقای دکتر حسن سبحانی.....
۱۳	مقدمه.....
۱۳	۱. تبیین موضوع.....
۱۴	۲. سابقه و ضرورت بحث.....
۱۶	۳. منابع استنباط.....
۱۷	۴. روش استنباط.....
۱۹	بخش اول: اقتصاد و مکاتب اقتصادی.....
۱۹	۱. ضرورت اصلاح در انواع بشری.....
۲۰	۲. تدبیر اقتصاد.....
۲۱	۳. علم اقتصاد.....
۲۳	مفهوم لغوی اقتصاد.....
۲۳	تعریف اصطلاحی اقتصاد.....
۲۴	موضوع علم اقتصاد.....
۲۵	علم اقتصاد و مکتب اقتصادی.....
۲۸	۴. مکاتب اقتصادی بشری.....
۲۹	مکاتب اقتصادی آزاد.....
۳۳	مکتب اقتصادی سوسیالیستی و کمونیستی.....
۳۵	۵. مکتب اقتصادی اسلام.....
۳۶	۵-۱. مکتب اسلام از دید انسان.....
۳۶	واقعیت تاریخی مکتب اسلام و محتوای آن.....
۳۷	فهم انسان از متن اسلام.....
۴۰	۵-۲. انسان از نظر مکتب اسلام (چیستی انسان).....
۴۱	نیازهای انسان.....

۴۲	نیازهای مادی
۴۴	نیازهای معنوی
۴۶	گرایش‌های انسان
۴۷	استعدادهای انسان
۴۸	۳-۵. انسان مخاطب اسلام
۴۸	- انسان قوی
۴۹	- انسان عاقل
۵۳	- انسان آزاد و مختار
۵۴	۴-۵. استنباط نتیجه تنصیر اسلام از متن
۵۴	دلایل مکتب اقتصادی
۵۶	تأسیسی بودن مکتب اقتصادی
۵۷	۵-۵. اجزای مکتب اقتصادی اسلام
۵۹	اول: مبانی نظری
۵۹	الف: خداباوری
۶۰	ب: آخرت‌گرایی
۶۱	دوم: اصول و احکام عملی
۶۱	سوم: غایات مکتب اقتصادی
۶۱	غایات اخروی
۶۳	غایات دنیوی
۶۳	توانمندی اقتصادی
۶۵	توانمندی اقتصادی و اخلاق
۶۶	آثار ضعف اقتصادی
۶۷	چهارم: تحقق غایات
۶۹	الف: روش‌های صالح
۷۱	ب: حاکمیت صالح
۷۲	وظایف ایجابی حاکمیت

۷۴	وظایف سلبی حاکمیت
۷۷	بخش دوم: اصول عملی مکتب اقتصادی
۷۷	مقدمه
۸۰	۱. سلطه انسان
۸۰	ماهیت سلطه
۸۰	حرمت سلطه
۸۱	۲. اعمال سلطه (کار)
۸۱	کار از دید شرع
۸۵	انواع کار
۸۶	۳. نتیجه اعمال سامانه (مالکیت)
۸۸	نقش نیت در ملک
۸۹	مالکیت خصوصی
۸۹	مالکیت عمومی
۹۴	کار جمعی و مالکیت عمومی
۹۷	فصل اول: اصول مثبت
۹۷	۱. اصل آزادی و اختیار
۹۹	دلایل آزادی مقید
۱۰۲	۲. اصل عدالت
۱۰۳	۱. مفهوم عدالت
۱۰۵	عدل و حق
۱۰۵	اقسام حق
۱۰۸	۲. عدالت در آیات و روایات
۱۰۸	آیات و روایات صریح
۱۱۱	آیات و روایات مفهومی
۱۱۲	۳. عدالت اقتصادی
۱۱۳	موجبات عدم عدالت اقتصادی

- ۱۱۴..... عوامل و راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی
- ۱۱۶..... ۳-۱. عدل در تولید مال و ثروت
- ۱۱۷..... مفهوم مال در عرف
- ۱۱۷..... مفهوم مال از دید اسلام
- ۱۱۸..... تولید مال از دید اسلام
- ۱۲۲..... افزایش مبادله مال و ثروت
- ۱۲۴..... ۳-۲. عدل در توزیع
- ۱۲۶..... آثار بی عدالتی در توزیع ثروت
- ۱۲۹..... حق مالی نیازمندان
- ۱۳۱..... نقش حاکمیت در رسیدگی به نیازها
- ۱۳۲..... پرداختهای واجب
- ۱۳۲..... مقدار پرداختهای واجب
- ۱۳۳..... انفاقات مستحب
- ۱۳۴..... انفاق و اسراف
- ۱۳۶..... ۳-۳. عدل در مبادله
- ۱۳۷..... شکل های مبادله
- ۱۴۰..... عدل، قاعده اولیه در مبادلات
- ۱۴۱..... ارزش اشیاء
- ۱۴۴..... مبادله صحیح از دید قرآن
- ۱۴۶..... شرایط مبادله صحیح
- ۱۵۱..... مبادلات ناصحیح
- ۱۵۲..... گرانفروشی
- ۱۵۴..... بورس بازی (سفته بازی)
- ۱۵۸..... ۳-۴. عدل در مصرف
- ۱۵۹..... نیاز واقعی و غیر واقعی

۱۶۰ معیار نیاز واقعی
۱۶۴ برخی از آثار مصرف مسرفانه
۱۶۶ ۳. اصل احسان
۱۶۶ ۴. اصل ایتاء ذی القربی
۱۶۷ فصل دوم: اصول منفی
۱۶۷ ۱. اصل نفی فحشا
۱۶۹ ۲. اصل نفی منکر
۱۷۰ ۳. اصل نفی بیهوشی
۱۷۱ ۴. اصل نفی عدم (حرمت)
۱۷۲ حرمت جسم و جان انسان
۱۷۳ حرمت مال انسان
۱۷۴ حرمت طبیعت
۱۷۴ ۵. اصل نفی سودپرستی
۱۷۷ ۶. اصل نفی فساد و افساد
۱۷۹ ۷. اصل نفی اکل مال به باطل
۱۷۹ تحلیل و تفسیر آیه «لَا تَأْكُلُوا»
۱۸۴ مصادیق اکل مال به باطل
۱۹۰ ۸. اصل نفی ربا
۱۹۰ مفهوم و ماهیت ربا
۱۹۲ پیشینه تاریخی ربا
۱۹۴ ربا در آیات و روایات
۱۹۸ اقسام و موارد ربا
۲۰۵ حکم ربا
۲۰۶ علت تحریم ربا
۲۰۹ راههای فرار از ربا
۲۱۱ ربا و تورم قیمت

- ۲۱۳ ۹. اصل نفی کنز
- ۲۱۳ نکاتی پیرامون آیه
- ۲۱۳ ۱. سیل الله و انفاق
- ۲۱۴ ۲. اکل مال به باطل
- ۲۱۵ ۳. مفارم و اهمیت کنز
- ۲۱۶ ارتباط و جمله در آیه
- ۲۱۸ انگیزه‌های کنز
- ۲۱۸ وجوه تحریم کنز
- ۲۲۱ عدم خصوصیت در طه و تقو
- ۲۲۲ کنز پول
- ۲۲۳ ماهیت پول
- ۲۲۶ کنز و انفاق
- ۲۲۸ کنز و سرمایه‌گذاری
- ۲۲۸ بانکداری
- ۲۳۱ کنز و پس‌انداز
- ۲۳۳ کنز و زکات
- ۲۳۸ کنز در روایات
- ۲۴۰ ۱۰. اصل نفی اتراف
- ۲۴۳ بخش سوم: اقتصاد در رابطه با غیرمسلمان
- ۲۴۵ غیرمسلمان مسالمت‌جو
- ۲۴۵ ۱. اصل عدل
- ۲۴۶ ۲. اصل احسان
- ۲۴۶ ۳. اصل ایتاء ذی القربی
- ۲۴۶ ۴. اصل الزام
- ۲۵۰ کفار ستیزه‌جو (حربی)

۲۵۰	اصول حاکم در شرایط قدرت
۲۵۰	۱. اصل مقابله به مثل
۲۵۱	۲. اصل نفی سلطه و سبیل کفار
۲۵۲	اصول حاکم در شرایط ضعف (غیرعادی)
۲۵۵	۱. اصل نفی عسر و حرج
۲۵۶	۲. اصل نفی اکراه
۲۵۷	۳. اصل نفی ضرر و اضطرار
۲۵۷	تحقق ضرورت
۲۵۹	احکام شرایط اضطرار
۲۶۱	نتیجه بحث
۲۶۵	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

در مقدمه موضوع رساله، سابقه و ضرورت بحث و منابع و روش استنباط اصول اقتصاد اسلامی به اختصار بیان می‌شود.

۱. تبیین موضوع

در نوشته حاضر اصول اقتصاد اسلامی^۱ ورد بحث قرار گرفته است. اصل واژه‌های عربی و در لغت عرب «اصل» «پایین هر چیزی»^۲ است؛ بنابراین گفته می‌شود «استأصلت هذه الشجرة ای ثبتت: این درخت ریشه گرفت یعنی ثابت شد»^۳ از این رو در فارسی نیز اصل را «بیخ، بن، بن هر چیز، ریشه، پی، بنیاد، و نژاد گویند که سبع ان اصول»^۴ است. بنابراین منظور از اصول در این نوشته، ریشه‌ها یا پایه‌ها و قواعد^۵ کلی است که احکام مصادیق جزئی از آن

۱. منظور از اقتصاد اسلامی مکتب اقتصادی برخاسته از آموزه‌های اسلام است که متأسفانه از آن بی‌فراوان استفاده می‌شود.

۲. اسفل کل الشیء، ابن منظور، لسان العرب.

۳. استأصلت هذه الشجرة ای ثبتت، فراهیدی، کتاب العین.

۴. عمید، فرهنگ فارسی عمید.

۵. قاعده در لغت به معنای پایه و اساس است و در اصطلاح «امری است کلی که در هنگام شناسایی احکام جزئیات از آن، بر تمامی جزئیات خود منطبق باشد» نهانوی، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۵، صص ۱۱۷۶ و ۱۱۷۷، به نقل از: لوح جامع فقه، جرجانی نیز آن را «گزاره یا حکمی کلی می‌داند که منطبق بر جزئیات خود می‌باشد» تعریفات، باب «قاف»

استفاده می‌شود آن گونه که در کلام امام صادق (ع) آمده است: «برماست که اصول و قواعد کلی عملی را بیان کنیم و بر شماست که از آن اصول فروع مورد نیاز را استنباط کنید»^۱. مراد از اصول اقتصاد اسلامی نیز کلیاتی است که مأخذ و زیربنای احکام رفتارهای جزئی انسان در عرصه فعالیت‌های معیشتی و اقتصادی اعم از تولید، توزیع، مصرف و مبادله است. بحث در اصول اقتصاد اسلامی زمانی محل دارد که بتوانیم این فرضیه را اثبات کنیم که اسلام، برای سامان بخشیدن به رفتارهای معیشتی انسان مکتب^۲ اقتصادی دارد و قائل باشیم که هر مکتبی آن گونه مبانی نظری، اصول و احکام عملی و غایاتی دارد.

در این نوشته به محورهای از معانی و مفاهیم نظری، عملی و غایی مربوط به رفتار انسان در هر زمینه از آن حیث به قابلیت آموزش و تفهیم و تفهم دارد، مکتب می‌گوییم. در بخش‌های آتی پس از طرح مبانی، ارجع به اقتصاد و مکاتب اقتصادی بشر به مکتب اقتصادی اسلام پرداخته و پس از اثبات آن، اشاره‌ای گذرا به مبانی و غایات این مکتب، اصول عملی آن را در دو فضای اسلامی و در رابطه با غیرمسلمانان مورد بحث قرار می‌دهیم.

۲. سابقه و ضرورت بحث

اصول و قواعد کلی که از آن‌ها به اصول اقتصادی تعبیر می‌کنیم پیش از این در خلال مباحث فقهی و در پاسخ به احکام افعال مکلفان در عرصه کسب و کار، داد و ستد، تجارت، شرکت، مضاربه و... و یا در کتابهایی که تنها قواعد فقهی سامان یافته یا در کتابهایی که قواعد فقهی همراه با قواعد دیگری که در اصول فقه و ادبیات به کار می‌روند مورد بحث قرار گرفته، بیان شده است. شاید اولین کتابی که در فضای شیعی «به منظور بیان قواعد فقهی تدوین شده،

۱. إنما علينا أن نلقي إليكم الأصول و عليكم أن تفرعوا (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۴۰)، از امام رضا (ع) نیز نقل

شده که فرمودند: علينا إلقاء الأصول إليكم و عليكم التفرع (التفرع)، همان، ص ۴۱.

۲. برای اطلاع بیشتر بر مفاهیم مکتب از نظر دیگران بنگرید به: ماهیت اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت

کتاب «نزهة الناظر في الجمع بين الاشباه والنظائر» نوشته نجیب الدین یحیی بن سعید (متوفای ۶۹۰ قمری) باشد.^۱ کتاب دیگر اثر علامه حلی (متوفی ۷۲۶ قمری) است با نام «قواعد الاحکام» و بعد کتاب شهید اول (متوفی ۷۸۶ قمری) است تحت عنوان «القواعد و الفوائد» وی در این کتاب از قواعد مورد استفاده در اصول، فقه و ادبیات یکجا بحث کرده است. سیوری (متوفی ۸۲۶ قمری) دیگر فقیهی است که کتاب «نضد القواعد الفقهية علی مذهب الامامية» را نگاشته است. اثر معروف دیگر کتاب «تهید القواعد الاصولية و العربية لتفریح فوائد الاحکام الشرعية» شهید ثانی (متوفی ۹۶۵ قمری) است که او نیز قواعد مختلف را جمع آوری کرده و از آثرین آثار در این زمینه کتاب «القواعد الفقهية» بجنوردی (متوفی ۱۳۹۵ قمری) است. ولی هیچ یک از این آثار با این رویکرد که اسلام مکتب اقتصادی دارد که به لحاظ آن می توان نظام^۲ سازی کشور تدبیر نشده اند.

ما در نوشته هایی که در صد سال اخیر، به مفاهیمی مانند؛ اقتصاد اسلامی، علم اقتصاد اسلامی، مکتب اقتصادی اسلام، سام اقتصاد اسلامی، در قبال این مفاهیم در فضای غیراسلامی توجه شده است، به نظر می رسد نویسنده کتاب به کلیات حاکم بر رفتار مسلمان در عرصه اقتصادی با رویکرد دیگری نگریسته اند و از این کلیات گاه به عنوان اصل و گاه قاعده یاد کرده اند. تعبیر به اصل مانند: «اصل مالکیت مختل، آزادی اقتصادی در کادر محدود و عدالت اجتماعی» که در کتاب «اقتصادنا» مشاهده می شود^۳ و یا «اصل ثبات و تطور، قسط و عدل، حرمت اکل مال به باطل، اباحه مصرف، لاضرر، مالکیت»^۴ در کتاب «اصول و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن» آمده است.^۴ یا اصول راهبردی حاکمیت مصالح فرد و جامعه، دولت

۱. مأخذ شناسی قواعد فقهی، ص ۲۰. به نقل از لوح جامع فقه.

۲. برای اطلاع بر مفهوم نظام، انواع نظام و نظام اقتصادی بنگرید به: میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام، ص ۳۳ به بعد.

۳. بنگرید به: سبحانی، نظام اقتصادی اسلام، ص ۲۴.

۴. بنگرید به: مهدوی کتی، اصول و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن.

دولت مصالح، آزادی در کادر محدود، مالکیت مختلط، رقابت و تعاون در خیرات، تحریم ربا، توزیع عادلانه ثروتها و درآمدها، در کتاب «نظام اقتصادی اسلام»^۵ و تعبیر به قاعده مانند «قاعده نفی ضرر، قاعده نفی سبیل، قاعده نفی عسر و حرج به عنوان قواعد عمومی و قاعده اتلاف، حیازت و سلطنت به عنوان قواعد خاص» که در کتاب «مبانی فقهی اقتصاد اسلامی» به چشم می‌خورد.^۱

به هر حال بحث از اصول اقتصادی از آن رو ضرورت دارد که اذعان می‌کنیم سلامت وضعیت فرهنگی و سیاسی جامعه منوط به سلامت وضعیت اقتصادی آن است^۲ و اقتصاد جامعه ما و دیگر جوانان اسلام متأثر از آموزه‌ها، احکام و قواعد مکتب اقتصادی سرمایه‌داری آزاد، بیمار و فاسد است و زمانی بهبود می‌یابد که به طور اسلامی سامان یابد و سامان یافتن اقتصاد جامعه در عمل متوقف بر به ثبات علمی از اصول مکتب اقتصادی اسلام است تا زمینه علمی تأسیس و تنظیم نهادهای اقتصادی جامعه به لحاظ این اصول فراهم گردد. با این بیان ضرورت این بحث روشن است.

۳. منابع استنباط

بحث مهمی که در جای خود باید به تفصیل دنبال شود این است که اصول و کلیات حاکم بر رفتار مسلمان در عرصه اقتصاد چگونه به دست می‌آیند؟ کلیات گاه از ظواهر ادله نقلی با تحلیل و استدلال عقلی استنباط می‌شوند و ادله نقلی آیات قرآن و روایاتی است که سنت (قول، فعل و تقریر معصومان) را نقل می‌کنند و گاه به حکم

۱. بنگرید به: میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام.

۲. بنگرید به: کرمی و پورمند، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی.

۳. منظور از بهبود وضعیت اقتصادی آن است که جامعه سربرابر دیگران نباشد؛ وابسته به فروش یک یا دو محصول خام نباشد به طوری که اگر راه فروش بر او بسته شد ناچار شود برای صیانت از خودش از عقیده و دینش دست بردارد؛ به آن حد از توان اقتصادی رسیده باشد که دیگران محتاج او باشند؛ مازاد اقتصادی داشته باشد تا بتواند به دیگر ابعاد قدرت مطلوب دست یابد و در مقابل خصم پایداری و استقامت کند.

عقل از استقراء جزئیات حسی در هر زمان به دست می‌آیند. بنابراین منابع استنباط و استخراج اصول و قواعد اقتصاد اسلامی کتاب، سنت، و عقل^۱ هستند.

۴. روش استنباط

روش استنباط اصول اقتصاد اسلامی، روش معروف به اصولی در استنباط قواعد و اصول از منابع فوق‌الذکر است. در این روش از آنجا که مستنبط می‌خواهد کشف خود را به شارع الهی نسبت دهد، چاره‌ای ندارد جز اینکه اراده او را از متن قرآن و متون دیگری که الفاظ، تقاریر و سیره پیامبر (ص) و جانشینان معصوم آن حضرت را نقل کرده‌اند و یا از منبع عقلی، کشف نماید و آن را به حکم اشتراک افراد انسان در شمول اصول و قواعد شرعی به حاضرین در این زمان سرایت دهد.

در این روش غایت مطالب، آن است که مستنبط به علم و اطمینان مراد شارع الهی را دریابد، چون علم و اطمینان حجت مستند، ولی در مواردی که راه علم بسته و دلیل قطعی بر حجیت ظن وجود داشته باشد، مانند فقدان دلیل نقلی قطعی،^۲ تزامم ملاکات و فقدان مرجح قطعی، مواردی که موضوع از امور متعارف اجماعی باشد که مصلحت و مفسده آن در زمان و مکان به اختیار انسان رقم می‌خورد و شارع خود فرموده: «وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»^۳ کارشان در میانشان به مشورت است» در حالی که نه به مشورت در بیشتر موارد ظنی است و در موارد استفاده از دلالت ظواهر الفاظ که ظنی هستند، ظن معتبر است؛ چون راهی جز رجوع به ادراکات ظنی نیست.

یادآور شوم که دریافت‌های نگارنده در این متن قطعاً خالی از اشکاب و نقصان در فهم و ترکیب عبارات و ترتیب مطالب نیست که امیدوارم خواننده محترم با ارسال نظر خود به

۱. اجماع اگر محقق شود زمانی حجت است که کاشف از رأی معصوم باشد و در این صورت به سنت باز می‌گردد.

۲. اگر امر دائر باشد بین ضن حاصل از نقل و ظن حاصل از تأملات نظری، ترجیح با ظن حاصل از نقل است، زیرا پس از علم یا وثوق به صدور نقل، مستند به کسانی است که می‌توانند از شریعت الهی خبر دهند.

۳. سوره شوری: ۴۲، آیه ۳۸.

آدرس اینترنتی نگارنده^۱ مرا از نظرات انتقادی و اصلاحی خود بهره‌مند سازد. علوم انسانی محل تضارب آرا و اندیشه‌ها است و رأی مقبول آن است که بر مبانی برهانی استوار شده باشد.

در این باره لازم است از همه کسانی که در فراهم آمدن این نوشته به نوعی مرا یاری کردند به ویژه از دوستان و عزیزانی که پیش از چاپ زحمت خواندن متن را بر خود هموار ساخته و نگارنده را از نقطه نظرات انتقادی و تکمیلی خود بهره‌مند ساختند: آقایان یوسف محمدی، حجت الاسلام مجید حسینی، دکتر سید محمدرضا سید نورانی، دکتر ابوالفضل پاسبانی و دکتر حسن سبحانی تشکر کرد و برای آنان دعای خیر می‌کنم.